

**نویسنده:** پیپ ایسکوبار (Pepe Escobar).

**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ «2020-01-17».

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سید حسام «مل».

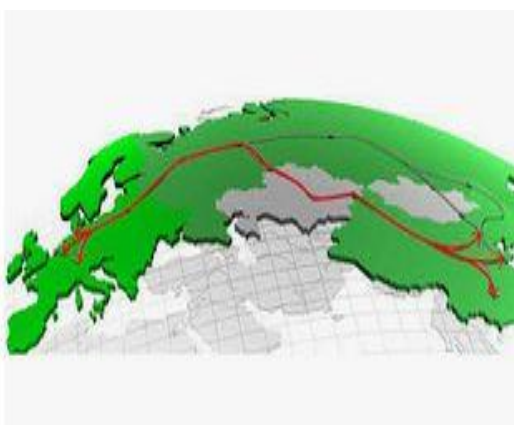
-----[ 7 ]-----

## نبرد قرون برای متوقف کردن ادغام اوراسیا

*Battle of the Ages to stop Euroasian integration*

با نزدیک شدن به دهه آینده میتوان دید که ایالات متحده دست روسیه ، چین  
و ایران را در ارتباط به جاده ابریشم جدید خواهد گرفت

*coming decade could see the US take on Russia , China and Iran  
over the new silk road connection*



**تصویر برجسته:** دریانوردان ایرانی در حالی که در چابهار در خلیج عمان در هنگام  
حفاری های مشترک دریایی ایران و روسیه و چین تشییع می شوند ، به ناوگان  
دریایی روسیه سلام می کنند. این عکس توسط دفتر ارتش ایران در تاریخ «27»  
دسامبر «2019» تهیه شده است. عکس: AFP / HO / دفتر ارتش ایران

عصبا نیت خشن غیرقا بل کنترول دهه بیست [ که بعضاً بعنوان دهه بیست ویکم روارنگ «Roaring» یاد میشود به جامعه و به فرهنگ غربی اشاره میشود.....تفصیل توسط این قلم ] با ترورهد فمند جنرال قاسم « سلیمان» ایرانی با ضرب و شتم و تکانه آغاز شد. با اینحال طوفان بزرگی در طول دهه منتظر ما است یعنی اعلام غیر مترقبه بازی بزرگ جدید در اسیا از این قرار است که ایالات متحده علیه روسیه ؛ چین و ایران که سه گروه اصلی ادغام اسیا میباشند کمر را ست میکند ویا که در راه ادغام این کشورها گودال حفر میکند.

قابل تذکر است که در دهه آینده هر تغییری که در بازی جیوپولیتیک و جیو ایکونومیک بوجود می آید در ارتباط عملکرد این تصادم عجیب باید اندیشید و پیرامون آن به تحلیل بپردازد.

دولت مخفی «دولت عمیق» ایالات متحده و برخی از مقامات مهم طبقه حاکم امریکا کاملاً وحشت دارند از اینکه «چین» در حال حاضر از اقتصاد ملت ضروری «ایالات متحده» پیشی بگیرد و «روسیه» از نظر نظامی پیشی گرفته است ؛ لذا پنتاگون رسماً این سه گروه اسیا را بعنوان غده (ورم) معرفی و تهدید میکند. تکنیک های جنگ ترکیبی شامل بخش اصلی شیطان (24/27) = بیست وچهار ساعت در روز؛ هفت روز در هفته ؛ همیشه) با هدف مها رکردن چین به (تهدید) ، تجاوز به «روسیه» و به حمایت از تروریزم در «ایران» گسترش خواهد یافت اسطوره «بازار آزاد» تحت تحمیل ادامه خواهد یافت ؛ محدودیت تحریم های غیر قانونی با حسن تعبیر بعنوان «قوانین» جدید تعریف خواهد شد.

با اینحال ، این خود به سختی کافی نخواهد بود تا از همکاری استراتژیک روسیه و چین جلوگیری کند ؛ برای بازی کردن به مفهوم عمیقتر این همکاری ؛ باید درک کنیم که «پکن» آن را بعنوان حرکت (غلط) به سمت وسوی «دوران جدید» تعریف میکند. این به مفهوم برنامه ریزی بلند مدت استراتژیک است که با تاریخ اصلی و کلیدی در سال (2049) صد مین سالگرد چین جدید سرمیخورد .

افق پروژه های چندگانه ابتکار کمربند و جاده - همانند جاده های ابریشم جدید با هدایت چین - در واقع دهه «2040» است ، هنگامی که پکن انتظار دارد پارادایم «الگو» جدید و چند قطبی ملل باحاکمیت مستقل را بعنوان شرکای خود در سراسر اسیا و فراتر از آن داشته باشد میخواهد که همه شرکا را با یک پیچ و خم در کمربند و جاده وصل نماید .

پروژه روسی - اوراسیای بزرگ - تا حدودی آینه و کمر بند را بازتاب می دهد و با آن ادغام می شود. کمر بند و جاده ، اتحادیه اقتصادی اوراسیا ، سازمان همکاری شانگهای و بانک سرمایه گذاری زیرساخت آسیا همه به همان دیدگاه همگرا هستند

### **Realpolitik = سیاست مبتنی بر عوامل عملی و مادی نه بر اساس اهداف نظری یا اخلاقی:**

بنابراین ، این « دوره یا عصر جدید » که توسط چینی ها تعریف و پیشکش شده است در هر بخش و در هر قسمت شدیداً به هماهنگی بین **روسیه** و **چین** متکی است ؛ ساخته شده **چین** در سال (2025) شامل یک سلسله از پیشرفت های فنی / علمی است و در عین حال روسیه همین اکنون خود را بعنوان یک منبع بی نظیر فناوری در بخش تسلیحات و سیستم های بلند بالای سلاح های پیشرفته قرار داده است که چینی ها هنوز هم نمیتوانند با آن همتای و همچشمی نمایند.

رئیس جمهوری **چین** در آخرین اجلاس (BRICS) در برزیل به **ولادیمیر پوتین** گفت: "وضعیت بین المللی فعلی با افزایش بی ثباتی و عدم قطعیت ، **چین** و **روسیه** را ترغیب می کند تا هماهنگی استراتژیک نزدیک تری برقرار کنند. " پاسخ **پوتین** : " در شرایط فعلی ، دو طرف برای حفظ ارتباطات استراتژیک نزدیک خود باید ادامه دهند "

**روسیه** به **چین** نشان می دهد که چگونه غرب به هر شکلی به قدرت « realpolitik » احترام می گذارد و سرانجام **پکن** شروع به استفاده از آنها می کند. نتیجه این است که پس از گذشت پنج قرن از سلطه غربی ها - که اتفاقاً منجر به سقوط جاده های باستانی ابریشم شد - این سرزمین مرکزی و حیاتی دوباره با یک انفجار بازمیگردد و برتری خود را تأیید میکند.

در یک یادداشت شخصی ، سفرهای من (شین چینینگ) در این دو سال گذشته ، از غرب آسیا به آسیای میانه ، و صحبت های من در این دو ماه گذشته با تحلیلگران نور-سلطان ، مسکو و ایتالیا ، به من این امکان را داده است که ذهنم با دید هرچه تیزتر و عمیق تر به آن درامزد و به عنوان ( Double Helix ) آنرا به تعریف گیرد. از اینکه همه ما از چالش های بی حد و حصر پیش رو آگاه هستیم - در حالی که به سختی قادر به ردیابی ظهور خیره کننده دوباره این سرزمین مرکزی و حیاتی در زمان واقعی آن هستیم.

از نظر قدرت نرم (قدرت نرم افزار) ، نقش برجسته دیپلماسی روسیه حتی بیشتر خواهد شد - با حمایت وزارت دفاع به سرپرستی **سرگئی شویگو (segei shoigu)** ، و یک **تووین (Tu Tuvan)** از سیبری و یک بازوی **اینتل** (در مورد موضوع مورد علاقه ) که قادر به گفتگوسا زنده

با همه است: هند / پاکستان ، کره شمالی / کره جنوبی ، ایران / عربستان سعودی ، افغانستان .

## جنگ اقتصادی علیه ایران جنگ علیه ادغام اوراسیا است

این اپراتس یادستگاه یا پروژه مطرح به راحتی موضوعات مغلق جیوپولیتیک را بگونه صاف با یک روش که «پکن» از آن تاهنوز طفره میرفت به سر میرساند. یعنی به موازات تقریباً تمام آسیا و اقیانوس آرام ، از دریای مدیترانه شرقی تا اقیانوس هند ؛ که کنون ایالات متحده **چین** و **روسیه** را بعنوان یک ضد تقابل درگیری دریایی و مالی در نظر میگیرد.

## سهام در جنوب غربی آسیا

ترورهد فمند «**سلیمانی**» ، به خاطر تمام وجود طولانی مدت آن ، تنها یک حرکت در صفحه «تخته» شطرنج جنوب غربی آسیا است. آنچه در نهایت در معرض خطر است یک جایزه کلان ژئواکونومیک است: یک پل زمینی از خلیج فارس تا مدیترانه شرقی.

تا بستان گذشته ، یک جلسه سه جانبه ایران و عراق و سوریه تصریح کرد که "هدف از مذاکرات فعال کردن کریدور داد و ستد و حمل و نقل اموال بین ایران-عراق-سوریه به عنوان بخشی از برنامه گسترده تر برای احیای جاده ابریشم است."

نمی تواند که همچو یک راهرو اتصال استراتژیک تر وجود داشته باشد ، که بتواند همزمان با کریدور حمل و نقل بین المللی شمال و - جنوب را به هم متصل سازد ارتباط ایران و آسیای میانه و چین به همه طریق به اقیانوس آرام. و لاتیکیا را به سمت مدیترانه و اقیانوس اطلس پیش بینی می کند.

آنچه در افق است ، در واقع ، فرقه ای از کمر بند و جاده در جنوب غربی آسیا است. ایران گره اصلی کمر بند و جاده است. **چین** به شدت در بازسازی سوریه شرکت خواهد کرد. و **پکن**- بغداد چندین قرارداد امضا کردند و یک صندوق بازسازی را عراق با چین تأسیس کرد (درآمد 300000 بشکه نفت در روز در ازای اعتبار چینی برای شرکت های چینی که در حال بازسازی زیرساخت های عراق هستند).

بانگای گذرا به نقشه ، "راز" آمریکا از امتناع از بسته بندی و ترک عراق ، آنگونه که پارلمان و نخست وزیر عراق خواستند ، نشان می دهد: برای جلوگیری از ظهور این راهرو

به هر وسیله ضروری. به خصوص وقتی می بینیم که تمام جاده های **چین** در سراسر آسیای میانه ساخته است - من در ماه نوامبر و دسامبر بسیاری از آنها را مرور کردم - در نهایت **چین** را با ایران پیوند می دهند.

**هدف نهایی:** اتحاد شانگهای به مدیترانه شرقی - زمینی، در سرتاسر Heartland.

به همان اندازه که بندر گوادر در دریای عرب یکی از گره های اساسی کریدور اقتصادی **چین** و **پاکستان** است و بخشی از استراتژی چند جانبه **چین** "فرار از مالاکا" است، هند همچنین به ایران مشوره و یا دستور داد تا گوادر را از طریق بندر چابهار در خلیج عمان هماهنگ کند.

به همان اندازه که پکن می خواهد دریای عرب از طریق دهلیز اقتصادی با سین کیانگ متصل کند، **هند** می خواهد از طریق ایران با افغانستان و آسیای میانه ارتباط برقرار کند.

با این حال سرمایه گذاری های **هند** در چابهار ممکن است به نتیجه نرسد، با این وجود **دهلی نو** هنوز تصمیم برای تبدیل شدن به بخشی فعال از استراتژی "هند و اقیانوس آرام" ایالات متحده، که به معنی سقوط تهران است، نگرفته است.

توافق همکاری مشترک دریایی؛ روسیه و چین و ایران در اواخر ماه دسامبر، دقیقاً از چابهار آغاز شد، که بیدار شدن به موقع برای **دهلی نو** بود. هند به راحتی نمی تواند ایران را نادیده بگیرد و نهایتاً گره اتصال اصلی خود یعنی چابهار را از دست بدهد.

**واقعیت غیرقابل تغییر:** همه به ارتباط ایران به دلایل واضح نیاز دارند چونکه این مرکز یا این مسیر از زمان امپراطوری پارس یکی از مسیرهای تجارت با آسیای میانه بود، مهمتر از ایران برای **چین** از نظر امنیت موضوع ملی است. **چین** به شدت در صنعت انرژی ایران سرمایه گذاری می کند. تمام تجارت های دوجانبه با دور زدن دلار آمریکا به یوان یا در سبد ارز تسویه می شود.

در همین حال، نومحافلان «نیوکان ها» آمریکا هنوز رویایی را که رژیم **دیگ چنی** در دهه گذشته به دنبال آن بود، در سر می پرورانند: تغییر رژیم در ایران که منجر به تسلط آمریکا بر دریای خزر میشود به عنوان تخته سنگ خیز به آسیای میانه، تنها یک قدم از سین کیانگ و اسلحه سازی ضد احساسات **چین** این می تواند به عنوان یک جاده ابریشم جدید به صورت معکوس دیده شود تا دید **چینی** را مختل کند.

## نبرد قرون

یک کتاب جدید با عنوان "تأثیر کمربند و ابتکار جاده چین"، توسط جرمی گارلیک از دانشگاه اقتصاد پراگ، این شایستگی را دارد که اعتراف میکند که "درک" از کمربند و جاده "بسیار دشوار است".

این یک اقدام بسیار جدی برای نظریه پردازی از پیچیدگی عظیم کمربند و جاده است - به ویژه با توجه به رویکرد انعطاف پذیر و هماهنگ **چین** در سیاست گذاری، برای غربی ها در رسیدن به هدف شان کاملاً مبهم است و خود، گارلیک وارد پارادایم تکامل اجتماعی **تانگ شیبینگ** می شود، به هژمونی **نئو گرامشی** روی آورد و یا می رود و مفهوم "مرکانتیلیسم توهین آمیز" را جدا می کند - همه اینها به عنوان بخشی از تلاش برای "التقاط پیچیده" است.

تضاد با روایت کمربند و جاده عا بر «پاده رو» در روایت «تحلیلگران» امریکایی با دیده شیطنت خیره کننده نگریسته میشود و یا از روایت های شیطان نی شان به ارتباط این جاده نشأت میکند. این کتاب به تفصیل به ماهیت چند جانبه بین منطقه ای و بین کمربند و جاده به عنوان یک فرایند ارگانیک در حال تحول، پرداخته است.

سیاست گذاران امپراتوری زحمت نخواهند دید که چگونه و چرا «یک جاده و یک کمربند = Belt & Road» پارادایم یا الگویی جهانی جدیدی را تنظیم می کند. اجلاس «**نا تو**» در ماه گذشته در لندن چند نکته را ارائه کرد. «**نا تو**» سه اولویت آمریکا را بطور غیر منتظره اتخاذ کرد یا که برای آمریکا سه اولویت را بگونه پیشنهادی پیشکش کرد: **سیاست هرچه تهاجمی تر نسبت به روسیه؛ مهار چین (از جمله نظارت نظامی) و نظامی سازی فضا** - چرخشی از دکتورین سلطه کامل طیف سال «2002». یا سلطه و تابعیت کامل مصوبه سال (2002) این نهاد.

بنا بر این «**نا تو**» به استراتژی "هند و اقیانوس آرام" - که به معنی مهار چین است، کشیده می شود. و چون «**نا تو**» با زوی مسلح اتحادیه اروپا است، این دلالت بر دخالت ایالات متحده در نحوه تجارت اروپا با چین - در هر سطح - دارد.

سراهنگ متقاعد ارتش ایالات متحده **لارینس ویلکرسن** (Lawrence Wilkerson) و رییس ارتش ایالات متحده **کولین پاول** (Colin Powell) در طی سالهای از «2001» تا «2005» تصمیم گرفتند که دنبال آن روند نروند و یا به تعقیب این راه و روند کمی کاهش

دهند اما امروز این ایالات متحده است که بخاطر جنگ وجدال وجود دارد یعنی که در پی تلاش جنگ وجدال است؛ پس چگونه میتوانیم این جنگ (19) ساله رک و راست و مستقیم را تفسیر کنیم از اینکه نقطه ای پایان آن تا هنوز معلوم نیست و یا که این بخش از ما که از به پایان دادن به این جنگ کاری را از پیش نمی برد کیست؟ بلی: این بخش از امپراتوری ایالات متحده است؛ ما در حال دروغگویی، تقلب و سرقت هستیم، همانطور که «پومپیو» در حال حاضر انجام میدهد همانطور که «ترامپ» در حال حاضر انجام میدهد و یا همانطور که ایسپر (Esper) همین الان انجام میدهد..... و یک میزبان دیگر از اعضای حزب سیاسی جمهوریخواه؛ همین اکنون دارند که انجام میدهند. ما قصد داریم برای ادامه این مجموعه از جنگ ها دروغ بگویم؛ تقلب کنیم این حقیقت عملکرد ما است و این همان در دورنج بیکران است.

مسکو، پکن و تهران کاملاً از این اسهام (stake) آگاهی دارند که دیپلمات ها و تحلیلگران در تلاش اند تا روند این جریان را انجام دهند، یعنی تلاش سه جانبه برای محافظت از یک دیگر در برابر همه اشکال جنگ ترکیبی، شامل مجازات ها علیه هر یک از آنها که صورت میگیرد.

برای ایالات متحده این در واقع یک نبرد وجودی علیه کل فرایند ادغام اورآسیا، مسیرها یا راههای راه ابریشم جدید، مشارکت استراتژیک روسیه و چین و آن سلاح های رویا روی روسی که با دیپلماسی ظریف مخلوط شده اند؛ است.

انزجار عمیق و عصیان عمیق علیه سیاست های ایالات متحده در سراسر گلوبال جنوبی، سقوط تقریباً اجتناب ناپذیر دلار آمریکا..... آنچه که مسلم است این است که امپراتوری شبی هم بخواب آرام نمیخواهد برود؛ همه ما باید برای نبرد عصر ما آماده باشیم.

----- **با تقدیم سلام ها « 2020-01-20 »**